



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

STIMSON

## خطرات فشار بیش از حد بر ایران

از آنجایی که اسرائیل و ایران به یک جنگ متعارف تمام‌عیار که احتمالاً ایالات متحده را درگیر خواهد کرد نزدیک‌تر می‌شوند، توجه زیادی به این موضوع معطوف خواهد شد که این دشمنان دیرینه چقدر می‌توانند به یکدیگر، به نیروهای ایالات متحده و اقتصاد جهانی آسیب وارد کنند. اما بدتر از آن این است که پتانسیل چنین درگیری‌ای ممکن است انگیزه‌های جدیدی را برای ایران ایجاد کند تا به سمت ساخت سلاح هسته‌ای حرکت کند. اگر ایران به این سمت حرکت کند، انحصار بر خوردراری اسرائیل از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه پایان می‌یابد و چشم‌انداز امنیتی خاورمیانه را به‌طور اساسی تغییر می‌دهد. پس از ترور اسماعیل هنیه، رهبر سیاسی حماس توسط اسرائیل در ۳۱ ژوئیه در تهران، بسیاری از تحلیلگران خاورمیانه انتظار داشتند که ایران انتقام جویی مشابه رگبار موشکی و پهپادی ایران علیه اسرائیل در آوریل را تکرار کند. در ماه آوریل، ایران آنچه را که قرار بود انجام دهد تلگراف کرده بود و به ایالات متحده و شرکای ائتلافش زمان کافی داد تا شبکه‌های به هم پیوسته از دفاع موشکی لایه‌ای برای سرنگونی تقریباً تمام آنچه ایران پرتاب کرده بود، ایجاد کنند. چند موشکی که فرود آمد کمترین آسیب را به همراه داشت و تلفات جانی نداشت. چند روز بعد، اسرائیل موشکی را فرستاد که در نزدیکی پدافند هوایی ایران در خارج از اصفهان فرود آمد که کمترین آسیب را وارد کرد. بحران کنترل شد. اما این رویارویی اخیر متفاوت است. ترور هنیه در مهمانسرای دولتی در منطقه‌ای به ظاهر محافظت‌شده در تهران، تنها چند ساعت پس از تحلیف رئیس‌جمهور جدید ایران، صریحاً بزرگی به امنیت ایران بود. بر اساس قانون اساسی ایران، رهبر عالی ایران فرمانده کل نیروهای مسلح است و در مورد هرگونه اقدام نظامی خارج از مرزهای ایران تصمیم نهایی را می‌گیرد. اطلاعات آمریکا همواره تأکید کرده است که آیت‌الله خامنه‌ای از رویارویی اجتناب می‌کند و در خصوص درگیری با اسرائیل که می‌تواند منجر به جنگ طولانی با ایالات متحده شود، محتاط است. با این حال، اگر اسرائیل و ایران درگیر یک جنگ هوایی متعارف شوند، این امکان وجود دارد که ایران خویشتن‌داری در خصوص حرکت به سمت ساخت سلاح هسته‌ای را کنار بگذارد. پس از مبادله آتش بین ایران و اسرائیل در ماه آوریل، یکی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مسئول امنیت برنامه هسته‌ای ایران است، گفت که اگر اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران اقدام کند، این کار می‌تواند ایران را به «بازنگری در دکتترین هسته‌ای خود و انحراف از ملاحظاتی قبلی مان» سوق دهد. وی افزود که ایران در برابر هرگونه حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران تلافی خواهد کرد. وی گفت: «ما دقیقاً می‌دانیم که سایت هسته‌ای اصلی دشمن کجا هستند. بر کسی پوشیده نیست که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، مدت‌هاست که بر ایالات متحده فشار آورده است تا ابزار نظامی برای تنزل دادن برنامه هسته‌ای ایران استفاده کند و محدودیت‌های توانایی‌های اسرائیل در مقایسه با ایالات متحده را تشخیص داده است. با این حال، در صورت وقوع جنگ در مقیاس بزرگ بین اسرائیل و ایران، وسوسه حمله به سایت‌های هسته‌ای ایران ممکن است برای اسرائیل و تندروها در واشنگتن بیشتر شود. اخیراً، سناتور جمهوری خواه لیندسی گراهام از کارولینای جنوبی لایحه‌ای را ارائه کرد که به ایالات متحده اجازه می‌دهد ایران را به دلیل تهدید امنیت ملی ایالات متحده از طریق توسعه سلاح‌های هسته‌ای مورد حمله قرار دهد. از زمانی که دولت ترامپ از برنامه جامع اقدام مشترک دوران اوباما در سال ۲۰۱۸ خارج شد و تحریم‌های اقتصادی را مجدداً علیه ایران اعمال کرد، ایران پیشرفت‌های چشمگیری در برنامه هسته‌ای خود داشته است اما هنوز اورانیوم را تا درجه تسلیحات غنی‌سازی نکرده است. اگر اسرائیل و ایران وارد یک جنگ طولانی شوند و ایران انحصار هسته‌ای اسرائیل را تهدیدی وجودی برای محدود کردن پاسخ نظامی ایران بدانند، فشار بر ایران برای حرکت به سمت ساخت سلاح هسته‌ای زیاد خواهد شد. این احتمال یکی از دلایلی است که نشان می‌دهد قمار اسرائیل برای اعمال فشار بیش از حد بر ایران چقدر خطرناک است. در پایان، این فشار ممکن است ایران را مجبور به ساخت سلاح هسته‌ای کند و این همان چیزی است که اسرائیل و غرب مدت‌ها از آن می‌ترسیدند و اگر ایران به سلاح دست‌یابد توانایی اسرائیل و واشنگتن برای حمله به ایران کاهش خواهد یافت.

تاریخ  
دیپلماسی

کمونیستی با وعده‌های برابری خواهانه در ایران بازتاب زیادی داشت و با قرارداد دوستی ایران و اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۲۱ تکمیل شد. عهدنامه دوستی ایران و شوروی در سال ۱۹۲۱ در مسکو در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ توسط نمایندگان دولت‌های شوروی و ایران امضا شد. هدف از این معاهده تنظیم اساس روابط ایران و شوروی بود. این معاهده به جز ماده ۵ و ۶ که در سال ۱۳۵۷ توسط دولت ایران به صورت یک‌طرفه لغو شد تاکنون پابرجاست و یکی از مبناهای روابط میان دو کشور است.

### زمینه‌های قرارداد دوستی ایران و شوروی

پس از فروپاشی امپراطوری روسیه و به دست گرفتن قدرت توسط بلشویک‌ها پس از انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷، روابط بین جمهوری تازه‌تأسیس شوروی روسیه و ایران باید دوباره سازماندهی می‌شد. عهدنامه سن‌پترزبورگ که در سال ۱۹۰۷ بین بریتانیای کبیر و امپراطوری روسیه منعقد شد که ایران یکی از موضوعات آن بود اما طرف قرارداد نبود و اساساً از آن اطلاع نداشت. توسط شوروی باطل اعلام شد. بریتانیای کبیر قبلاً تلاش کرده بود تا روابط با ایران را بر اساس منافع سیاسی خود در معاهده ۱۹۱۹ انگلیس و ایران تنظیم کند. این معاهده توسط دولت وقت ایران امضا شد اما با یک رسوایی بزرگ مورد مخالفت عمومی قرار گرفته و تأیید نشد. بلشویک‌ها می‌خواستند به هر قیمتی از سرنوشت مشابهی جلوگیری کنند. به منظور سازماندهی و قرارداد بین دو کشور، مذاکرات در سال ۱۹۲۰ آغاز شد. به نظر می‌رسید که پیش‌نیازها برای پایان موفقیت‌آمیز مذاکرات وجود داشته باشد. ایران جزو اولین کشورهایی بود که دولت لنین را در ۱۴ دسامبر ۱۹۱۷ به رسمیت شناخت. در ۲۷ ژانویه ۱۹۱۸، لئون تروتسکی کمیسر خلق برای روابط خارجی معاهده سن‌پترزبورگ را «باطل و باطل» اعلام کرد.

حسن پیرنیا، نخست‌وزیر وقت در سال ۱۹۲۰ هیئتی را برای حل و فصل مجدد موضوع روابط ایران و شوروی به مسکو فرستاد. برخی شهروندان ایرانی که توسط شوروی دستگیر شده بودند با عذرخواهی از بی‌عدالتی که محتمل شده بودند آزاد شدند. کمیسویی برای تعیین پرداخت غرامت به ایرانیانی که دارای آنها در جریان اشغال شمال ایران توسط روسیه مصادره یا آسیب دیده بود تشکیل شد. نیروهای شوروی مستقر در سواحل ایرانی دریای خزر عقب‌نشینی کردند و بندر انزلی تخلیه شد. این قرارداد در زمان نخست‌وزیری سیدضیاءالدین طباطبایی به امضا رسید. اما انعقاد این معاهده منجر به خروج نهایی نیروهای شوروی از شمال ایران نشد. نیروهای انگلیسی هنوز در ایران بودند، بنابراین بلشویک‌ها دلیلی برای خروج نیروهای خود نمی‌دیدند. پس از انعقاد این معاهده، تئودور روتشتاین، سفیر شوروی در ایران شد. تعداد کارکنان سفارت به حدود ۱۰۰ نفر افزایش یافت و کنسولگری‌های شوروی در تمام شهرهای بزرگ ایجاد شد.

معاهده دوستی روسیه و ایران در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ در مسکو بین نمایندگان ایران و روسیه‌ی شوروی امضا شد. بر اساس مفاد این معاهده، کلیه قراردادهای قبلی منقضی‌شده از جمله معاهده ترکمنچای لغو شد. علاوه بر این، به روسیه و ایران حقوق کامل و برابر کشتیرانی در دریای خزر و حق برافراشتن پرچم ملی مربوطه بر روی کشتی‌های تجاری خود داده شد. تصویب‌نامه‌ها در ۲۶ فوریه ۱۹۲۲ در تهران مبادله شد و در ۷ ژوئن ۱۹۲۲ در مجموعه معاهده‌های جامعه ملل به ثبت رسید. هدف اصلی بلشویک‌ها از این معاهده جلوگیری از فرار نیروهای ضدانقلاب روسیه سفید به ایران بود. حمله شوروی به خاک ایران پس از انقلاب بلشویکی در اواخر سال ۱۹۱۸ اتفاق افتاد. این معاهده از طرف ایران توسط علیقلی مسعودانصاری مشاور الممالک و از طرف اتحاد جماهیر شوروی توسط گئورگی واسیلیویچ چیچرین و معاونش لومیک‌خانیویچ کاراخان امضا شد.

### محتوای قرارداد دوستی ایران و شوروی

قرارداد از بیست‌وشش بند تشکیل شده بود و از لحظه‌ی امضا دارای اعتبار قلمداد می‌شد. بند اول و دوم این قرارداد با لغو کلیه قراردادهای استعماری روسیه بیانیه‌های خود را راجع به مبانی سیاست روسیه نسبت به ملت ایران مندرجه در مراسلات ۱۴ یانوار ۱۹۱۸ و ۲۶ ایون ۱۹۱۹ یک مرتبه دیگر رسماً اعلان می‌نماید که از سیاست جابانه که دولت‌های مستعمراتی روسیه که به اراده کارگران و دهاقین این مملکت سرنگون شدند نسبت به ایران تعقیب می‌نمودند قطعاً صرف‌نظر می‌نماید. نظر به آنچه گفته شد و با اشتیاق به اینکه ملت ایران مستقل و سعادتمند شده و بتواند آزادانه در دارایی خود تصرفات لازمه را بنماید دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادهای را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع می‌نمود ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلان می‌نماید. و بند دوم نیز قراردادهای روسیه تزاری با سایر کشورهای اروپایی علیه ایران را لغو کرد که مهمترین آنها معاهده سن‌پترزبورگ

دخالت در امور داخلی کشور بدل شد و بارها در جهت تضعیف استقلال و حاکمیت ایران از آن استفاده شد. روسیه و بریتانیا که طی قرن نوزدهم در دست‌اندازی بر ایران در رقابت بودند در آستانه قرن جدید با قرارداد سن‌پترزبورگ در سال ۱۹۰۷ گستاخانه ایران را به سه منطقه نفوذ تقسیم کردند و استقلال و حاکمیت ایران را به‌طور کامل نادیده گرفتند. روسیه و بریتانیا با مشاهده دولت‌های ضعیف پس از مشروطه و وضعیت آشفته کشور دخالت در امور ایران را به حدی رساندند که برای روابط ایران با سایر کشورها تعیین تکلیف کرده و اولتیماتوم اخراج مورگان شوستر آمریکایی را صادر کردند. وضعیت ایران با وقوع جنگ جهانی اول دشوارتر شد و از هر جهت قوای اشغالگر وارد کشور شدند و جنوب ایران توسط بریتانیا و شمال توسط روسیه و غرب توسط عثمانی مورد چنگ‌اندازی قرار گرفت اما پایان جنگ جهانی اول نوید از میان رفتن دو قدرت مداخله‌جو در جوار ایران را می‌داد. امپراطوری عثمانی فروپاشید و روسیه تزاری نیز با وقوع انقلاب کمونیستی دست‌کم برای چند دهه از سیاست داخلی ایران کناره گرفت. وقوع انقلاب

## زمینه‌های قرارداد ۱۹۲۱ میان ایران و شوروی

# قرارداد دوستی که منجر به اشغال ایران شد



داود دشتابانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

روسیه تزاری نخستین دولت استعمارگر و توسعه‌طلب بود که در دوره قاجار ایران را وادار به پذیرش قراردادهای یک‌جانبه نمود. قرارداد گلستان و ترکمنچای که علاوه بر جدایی بخش‌های از سرزمین ایران امتیازات ویژه تجاری و کنسولی را نصیب روسیه نمود، آغازگر روندی بود که روسیه با قرارداد آخال ادامه داد و بریتانیا را نیز به معاهده پاریس و جدایی هرات و حکمیت گلداسمید و جدایی بلوچستان شرقی از ایران رهنمون کرد. روابط سلطه‌جویانه‌ای که در قرارداد ترکمنچای آغاز شد نیز توسط بریتانیا پی گرفته شد و ایران قاجاری را در موقعیتی دشوار میان دو قدرت بزرگ استعماری جهان قرار داد. روسیه تزاری در قرارداد ترکمنچای به‌عنوان حامی سلطنت قاجار نیز شناخته شد و این نکته که به ظاهر امتیازی برای ایران و سلسله قاجار بود تا ثبات در ایران را تضمین کند به دستاویز روسیه برای